

ندا سمبل مقاومت



ندا آقا سلطان متولد هزار و سیصد و شصت و یک، دانشجوی رشته فلسفه روز سی خرداد در محله امیرآباد تهران به شهادت می‌رسد. ندا در [x] روز سی خرداد به همراه استادان شگاهش (رشته فلسفه) و چند تن از هم کلاسی هایش در تظاهرات شرکت داشته است.

او در حالی که برای دقایقی با موبایل صحبت می‌کرده از جمع تظاهر کننده عقب می‌افتد که در این هنگام دو لباس شخصی موتور سوار (موسوم به بسیجی) قلب ندا را با سلاح کمری هدف قرار می‌دهند. وی در دستان استادش جان می‌سپارد، ولی موتور سواران توسط مردم متوقف و توسط مردم دستگیر می‌شوند. ظهر روز ۳۱ خرداد (روز بعد از شهادت) پیکر ندا به شرط خاکسپاری سریع و محرمانه در بهشت زهرا به خانواده اش تحویل شده است. خاکسپاری وی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی و با سرعت بسیار انجام شده است.

گفتنی است که هم اکنون خانواده وی بعد از خاکسپاری ندا آقا سلطان به خانه باز گشته اند. [x]

بر اساس آخرین اخبار دریافتی مراسم یادبود ندا قرار بود امروز اول تیر ساعت ۵ تا ۶.۳۰ درمسجد نیلوفر واقع در عباس آباد تهران برگزار شود که با تماسی از طرف مسجد این مراسم لغو شده است. همچنین به تمام مساجد تهران دستور داده شده است که اجازه برگزاری مراسم ندا آقا سلطان را ندارند.

مراسم یادبود ندا امروز توسط دوستان و یارانش در ساعت چهار بعدازظهر در میدان هفت تیر برگزار خواهد شد.

عباس بختیاری - دوشنبه بیست و دو ژوئن دو هزار و نه - پاریس

شرح زندگی

ندا آقا سلطان در تهران بدنیا آمد. او فرزند دوم از خانواده بود، پدرش کارمند شهری با درآمد متوسط و مادرش خانه دار بود. پس از تحصیل فلسفه اسلامی در دانشگاه آزاد تهران، او تصمیم گرفت در صنعت تورسم فعالیت کند. به همین دلیل او کلاسهای خصوصی زبان ترکی پرداخته و میخواست رهبر تور باشد.

نشریه تایم نیز از قول پرهانی معلم موسیقی آقا سلطان می‌نویسد که او و ندا به قصد شرکت در تظاهرات میدان آزادی در روز ۳۰ خرداد به سمت تظاهرات با ماشین در حرکت بودند. بگفته پرهانی با اینکه آقا سلطان فعال سیاسی نبود، ولی نسبت به نتیجه انتخابات خشمگین بود. دوستانش به او اصرار کرده بودند که در خانه بماند ولی او پاسخ داده بود که از مرگ نمی‌ترسد: «نگران نباشید، فقط یک گلوله‌است و پس از آن همه چیز تمام می‌شود». کاسپین ماکان، (بگفته بی بی سی فارسی نامزد ندا آقا سلطان، بگفته خبرگزاری آسوشیتدپرس دوست پسر ندا آقا سلطان ماجرا را در مصاحبه با بی بی سی فارسی اینگونه بیان کرده‌است:

وقتی که این اتفاق افتاد، ندا از درگیری‌ها دور بود، یعنی در خیابان‌های فرعی نزدیک امیرآباد بود. حدود یک ساعتی با استاد موسیقی اش در ماشین پشت ترافیک نشسته بود، از گرما و خستگی کلافه و از ماشین پیاده می‌شود. اما براساس تصاویری که مردم ارسال کرده‌اند، احتمالاً نیروهای لباس شخصی و بسیجی در تیراندازی با نشانه‌گیری به قلبش می‌زنند... چند دقیقه بیشتر طول نکشید، بیمارستان شریعتی نزدیک بود، حاضران سعی می‌کنند ندا را با اتومبیل به اورژانس ببرند اما قبل از انتقال به بیمارستان، او در دست استاد موسیقی اش جان می‌دهد... جسدش را دیروز با زحمت زیاد توانستیم تحویل بگیریم. البته جسد ندا در پزشکی قانونی تهران نبود، در پزشکی قانونی خارج از تهران بود. مسئولان پزشک قانونی خواستند که بخش‌هایی از بدنش از جمله قسمتی از استخوان رانش را بگیرند، پزشکی قانونی نگفت برای چه کسی اعضا را می‌خواهد استفاده کند، هیچ توضیحی در این زمینه داده نشد. خانواده موافقت کرد برای اینکه زودتر جسد را تحویل بگیرند، چون ممکن بود همین موضوع باعث تعویق تحویل جسد بشود. جسد را در قطعه‌ای از بهشت زهرا یک شنبه ۳۱ خرداد هنگام عصر دفن کردیم، البته کسان دیگری هم که در درگیری‌ها کشته شده بودند را هم آنجا آورده بودند، انگار منطقه از پیش برای این افراد تعیین شده بود... مقامات امنیتی ایران طی حکم‌های مختلف به بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها و جراحان و پزشکی قانونی عنوان کرده بودند که نباید گواهی فوت بر اثر شلیک گلوله باشد، مسلماً به این دلیل که در آینده شکایت بین المللی توسط خانواده‌ها به عمل نیاید. البته من هنوز برگه ترخیص ندا را ندیده‌ام اما در چند روز آینده از پدرش برگه را می‌گیرم.

ماکان همچنین در مصاحبه با بی بی سی فارسی عکس‌هایی که گفته می‌شود خانم آقا سلطان را قبل از درگیری در تظاهرات نشان می‌دهد را تکذیب

کرده و میگوید: «به نوعی به نظر میرسد طرفداران آقای موسوی ندا را به او ربط داده‌اند. اما این طوری نیست. ندا فوق العاده به من نزدیک بود، ندا هرگز طرفدار هیچ یک از این دو گروه نبود، ندا خواهان آزادی بود، آزادی برای همه.»

روایت دیگر

از طرف دیگر خبرگزاری آسوشیتدپرس روایت دیگری را از ماکان ذکر کرده که در آن صحبت از «قصد آقا سلطان برای پیوستن به تظاهرات» کرده و علی رغم تلاش ماکان برای منصرف کردن آقا سلطان، او به تظاهرات با هدف بدست آوردن مردمسالاری و آزادی برای مردم ایران رفته است.

خاکسپاری و مراسم یادبود

بگفته کاسپین ماکان، نامزد ندا آقا سلطان، «دوشنبه یکم تیرماه ساعت دو ونیم قرار بود در مسجدی در خیابان شریعتی بالاتر از سید خندان مراسمی داشته باشیم، اما بسیجیان و مسئولان مسجد اجازه برگزاری ندادند، چون به نظرشان هرج و مرج می‌شود و نمی‌خواهند درگیری به وجود آید. چون میدانند که ندا مظلومانه رفت و میدانند که همه مردم در ایران و خارج از ایران متأسف شدند، و شاید پیش بینی می‌شد جمع کثیری از مردم حاضر شوند، به هر صورت فعلاً اجازه برگزاری هیچ مراسم عمومی را نداده‌اند». در روز دوشنبه ۱ تیر ۱۳۸۸ مراسم گرامیداشت ندا با حضور هزار نفر در میدان هفت تیر برگزار شد حدود ۵۰۰ نفر از افراد گارد ضد شورش و بسیج میدان را محاصر کرده بودند گروهی از راننده گان عبوری نیز با به صدا درآوردن بوق اتومبیل خود با تظاهرات کنندگان ابراز همبستگی کردند. ۶۰ نفر از این افراد دستگیر شدند

سازمان ملل متحد

به حضور محترم جناب بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متعهد

عالی جناب

تظاهرات صلح طلبانه و غیرخشن شهروندان ایرانی، از تاریخ ۱۳ ژوئن، توسط کارگزاران جمهوری اسلامی ایران شدیداً مورد سرکوب واقع شده اند. بیش از ۵۵ نفر کشته و هزاران نفر توسط جمهوری اسلامی به خاطر این تظاهرات صلح طلبانه دستگیر شده اند. حتا کودکان و تماشاگران از گزند این سرکوب ها مصون نبوده اند.

در تاریخ ۱۲ ژوئن وزارت کشور جمهوری اسلامی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را برگزار کرد. به نحو عجیبی ساعتی چند پس از بسته شدن حوزه های انتخاباتی، محمود احمدی نژاد توسط دولت برنده اعلام گردید. میلیون ها ایرانی که به کاندیداهای مخالف، آقایان کروبی و موسوی، رای داده بودند جهت اعتراض به نحوه اعلام نتایج انتخاباتی به راهپیمایی مسالمت آمیز پرداختند. آنها همگی تقاضای ابطال انتخابات را داشتند. تظاهر کنندگان پیر و جوان در شهرهای مختلف ایران به نحوی خود انگیزه و صلح آمیز در راه پیمایی ها شرکت کردند. همه تظاهرات مسالمت آمیز بودند، تا زمانی که چماق داران رژیم، که بارها توسط دولت برای ایجاد رعب و وحشت، و مشروعیت دادن به اجرای قوانینی سرکوبگر مورد استفاده قرار گرفته اند، وارد میدان شدند. این الیواط، حتا وارد خوابگاه های دانشجویان در دانشگاه های تهران، شیراز و اصفهان شدند و دانشجویان را مورد رفتاری توهین آمیز و بی رحمانه قرار دادند. ارتباطات تلفنی و خبر رسانی سانسور شده اند. رسانه های الکترونیکی، وب سایت ها، پیامک فرست ها، و موبایل ها همگی بلوکه شده اند. روزنامه های داخلی قادر به انتشار خبرهای درست که صدها هزار ایرانی و رسانه های خارجی شاهد اند، نبوده اند. شهروندان ایرانی مورد ضرب و شتم و بازجویی بی دلیل قرار گرفته اند.

با توجه به اوضاع کنونی ایران، ما از سازمان ملل متحد تقاضا داریم که منطبق با منشور اعلامیه حقوق بشر، که دولت ما از امضا کنندگان آن است، به اجرای اصول برشمرده زیر هرچه سریع تر اقدام نماید:

۱) رسیدگی به نقض دولتی تبصره ۵ و تبصره ۹ منشور همگانی حقوق بشر توسط دولت جمهوری اسلامی ایران (هیچ فردی نباید مورد آزار، شکنجه و رفتار غیر انسانی، توهین آمیز و بی رحمانه قرار گیرد؛ هیچ فردی نباید مورد دستگیری اختیاری، زندان دلبخواهی و بدون مقررات و یا تبعید واقع شود.) لیست دستگیر شده گان توسط جمهوری اسلامی از تاریخ ۱۳ ژوئن باید اعلام گردد.

ب) محکومیت جمهوری اسلامی ایران جهت نقض اصل ۲۰ آن منشور (حق آزادی تجمع و گرد همایی مسالمت آمیز).

ج) تشکیل هیئت مستقلی جهت رسیدگی به تخلفات انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران در نقض تبصره ۲۱ آن منشور (۱- همه افراد حق شرکت در حکومت کشور خود را، مستقیم و یا از طریق نمایندگان خود، دارند. ۲- همه افراد حق دسترسی برابر به خدمات عمومی کشور خود را دارند. ۳- اراده مردم اساس اتورितه دولت هاست، و این اراده از طریق انتخابات راستین و دوره ای که متکی بر آرای همگانی و عمومی بوده و به نحو پنهانی و بر اساس مقررات و ضوابط آزاد و قانونی است، بیان میشود).

د) تقاضای جریان اندازی آزادانه اطلاعات از دولت ایران و درخواست احترام به حقوق آزادانه شهروندان ایرانی برای بیان و برای دیدگاه‌های خود مطابق با تبصره ۱۹ آن منشور (همه افراد حق آزادی عقیده و بیان دارند؛ این حق شامل آزادی داشتن دیدگاه‌ها بدون مداخله و یا برای تفتیش، دریافت و آشکار کردن اطلاعات از طریق رسانه‌ها علیرغم وجود مرزها، است).

ه) درخواست از جمهوری اسلامی ایران برای پاسداشت حقوق برابر شهروندان در مقابل قانون علیرغم دیدگاه‌های سیاسی آن‌ها منطبق با تبصره ۷ منشور اعلامیه حقوق بشر آن سازمان.

گروهی از نویسندگان و هنرمندان (مقیم شهر تهران) اسامی امضا کنندگان بدلائل معلوم تامین امنیت ایشان فقط در سایت بطور محرمانه درج شده

جلسه فوق العاده پنج حزب و سازمان سیاسی اپوزیسیون

برای حضور هرچه فعال تر در جنبش اعتراضی مردم

سه شنبه ۲ تیر ۱۳۸۸ - ۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

با توجه به شرایط حساس و سرنوشت ساز در کشور روز شنبه ۳۰ خرداد نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب کومله و شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران در پاریس جلسه اضطراری تشکیل دادند و در باره انجام اقدامات عاجل در برخورد با رویدادهای جاری در کشور و چگونگی حضور هرچه فعال تر در جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه مردم ایران به رایزنی پرداختند. در تحلیل رویدادها، همه نمایندگان به اتفاق بر این نظر بودند که پیآمدهای مقاومت دلیرانه مردم در برابر گستاخی علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی و مخالفت آشکار آنان با دولت و رئیس جمهوری انتصابی وی سمت گیری و کیفیت تحولات آتی در کشور را رقم خواهد زد و به این اعتبار باید با تمام توان در جهت پیروزی جنبش مقاومت مدنی و خیزش تاریخی مردم ایران تلاش کرد. هریک از نمایندگان با اشاره بر این که علی خامنه ای با تهدید، سرکوب و ریختن خون مردم معترض می خواهد نیروی مقاومت را در هم بشکند، تاکید کردند برای خنثی ساختن تهاجم جریان حاکم باید همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد، همبستگی و حرکت اعتراضی هماهنگ فراخواند، در جهت تداوم و گسترش تظاهرات سراسری در شهرهای مختلف جهان و بازتاب موثر آن کوشش کرد و با مراجعه جمعی به نهادهای حقوق بشری، دولت ها، سازمان های بین المللی و رسانه ها از آنان خواست به اعتراض جهانی علیه سرکوب در ایران بپیوندند و از مردم ما در مبارزه علیه دیکتاتوری پشتیبانی کنند. در این نشست همچنین بر هماهنگی بیشتر، سرعت عمل و تقویت مناسبات پنج حزب و سازمان به منظور پیگیری پیشنهادهای و تصمیمات جمعی تاکید شد.

حزب دموکرات کردستان ایران
حزب کومه له کردستان ایران
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت
شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران

حزب سبزهای فرانسه



پیام به مردم ایران

مبارزات شما برای آزادی از سنت دیرینه ای برخوردار است. فشار و اختناق هیچگاه مانعی در مقابل اراده شما برای کسب حقوقتان نبوده است. همه میدانند که انتصاب کاندیداها بدلیل سیستم ولایت فقیهی بر اساس قواعد دمکراتیک و روشن صورت نگرفت. با این وجود انتخابات ریاست جمهوری اخیر امید بزرگی را برانگیخت و میلیونها ایرانی بسیج شدند تا به چهار سال دولت احمدی نژاد پایان دهند. دوران احمدی نژاد دوران استبداد علیه آزادی و حقوق مردم و سرکوب زنان، جوانان، روشنفکران، کارگران و دیگر اقشار جامعه بشمار میآید. سیستم دیکتاتوری در رأی مردم تقلب نمود. نتیجه این انتخابات توسط آقای خامنه ای و احمدی نژاد و طرفداران اینان دزدیده شد. پس از آن مردم بعنوان اعتراض شوریدند تا از حیثیت و رأی خود دفاع کنند. در مقابل این اراده، رهبر جمهوری اسلامی در نطق خود آشکارا به حمایت از احمدی نژاد دست زد، از مردم خواست به خانه هایشان بروند و در غیر این صورت با سرکوب خونین و سنگین تری مواجه خواهند شد. علیرغم این تهدیدات و حضور نیروهای سرکوب در مسیر تظاهرات، روز 20 ژوئن مردم نترسیدند و شجاعانه به خیابانها ریختند. این درس بزرگی است، استبداد کور است و خشونت را تنها جواب برای مردم میداند.

حزب سبزها قاطعانه از مبارزات مردم ایران و نیروهای مترقی پشتیبانی نموده و در شرایط این کودتای انتخاباتی و تقلب در نتایج آرا، از برگزاری انتخابات آزاد حمایت میکند. حزب سبزها سیاست سرکوب دولت احمدی نژاد و رهبر ولایت فقیهی را محکوم مینماید. تظاهرکنندگان در ایران فریاد میزنند "مرگ بر دیکتاتور"، زیرا مستبدان حقوق شهروندان را پایمال کرده اند. با سیاست دروغ و تقلب و خشونت، حقوق بشر یکبار دیگر در ایران بطرز فاحش نقض شده است. مبارزه در ایران مبارزه برای آزادی است، ما در این مبارزه علیه دیکتاتوری و برای آزادی در کنار شما هستیم.

حزب سبزهای فرانسه
پاریس 21 ژوئن 2009

پیام از ابوالحسن بنی صدر به مردم ایران

ایرانیان در برابر اعلان جنگ یک رژیم در حال مرگ

هموطنان!

هر روز بر شمار کشته ها و زخمی ها و دستگیر شدگان گرفتار شکنجه افزوده می شود. همدرد شمایم. شجاعت و استواری شما را می بینم و از خداوند پیوسته می خواهم که شما را بر بنای جامعه ای آزاد و باز توانا گرداند.

آقای خامنه ای در خطبه های نماز جمعه 29 خرداد 1388، دروغهای پرتناقض گفت و بدانها، بر شما روشن کرد که در رژیم او و در سر زورمدار او، از اسلام هیچ نمانده است. اندیشه راهنمای او و رژیمش از فکر خالی و از زور پرگشته است؛ چون می خواست انتخابات قلابی را رأی اعتماد 40 میلیونی به «نظام» جلوه دهد، نامزدها را، متعلق به نظام خواند و چون نوبت تهدید شد، آنها را تهدید کرد که هرگاه تسلیم قلب بزرگ نشوند، عقوبتی سخت می یابند. چون خواست انتخابات رسوا را آزاد جلوه دهد، حضور مردم را در خیابانها، تا روز 22 خرداد ستود و چون بر آن شد که تهدید کند، حضور همین مردم از 23 خرداد بدین سو را، جرم گرداند و دروغی رسوا گفت و جسارتی بزرگ به مردم ایران کرد و گفت: آقای اوباما گفته است مدتها بود که منتظر ریختن مردم ایران به خیابانها بودیم. او اعتراض کنندگان به قلب در انتخابات را مسئولان خشونت قوای سرکوبگر خود گرداند!

گفت از «شورای نگهبان» خواسته است به شکایت اعتراض کنندگان رسیدگی کند، انتخابات را بی عیب و نقص خواند، به سخن دیگر، پیشاپیش رسیدگی را بیهوده گرداند. بگاه ادعا، 40 میلیون رأی را دلیل مشروعیت و محبوبیت «نظام» خواند و، در جا، حق اعتراض همین مردم به قلب بزرگ را انکار و آنها را به سرکوب تهدید کرد.

زورمداری سبب بریدن از واقعیت می شود: آقای خمینی که می دانست جمهور مردم مخالف کودتای او و دستیاران او در خرداد 60 هستند، از این رو، در مخالفت با پیشنهاد مراجعه به آرای عمومی این جانب، گفت: "35 میلیون بگویند بله، من می گویم نه"، اما جانشین او، آقای خامنه ای، چنان از واقعیت بریده است، که مخالفت جمهور مردم با رژیم ولایت مطلقه فقیه و شخص خود را موافقت گمان می برد. آیا تا آنجا از واقعیت بریده است که نمی داند غیر از اقلیت کوچکی که

در این رژیم به نامزد دلخواه او رأی داده‌اند، بقیه مردم، با او و رژیم او مخالفند؟! زندانی دنیای مجازی خود ساخته گشته و می گوید: فصل الخطاب قانون است. اما افزون بر این که او فوق قانون است و قانون حاکم، قانون زور است، همین قانون را نیز رعایت نکرده است؛ رأی مردم بنام نامزد آقای خامنه ای خوانده شد و از سوی آنها که در انتخابات شرکت نکرده‌اند و یا امکان دادن رأی دادن نیافته‌اند، بنام آقای احمدی نژاد رأی در صندوقها ریخته شد. در همان حال که می گوید: «حرف آخر را رأی دهندگان» در پای صندوق رأی می زنند، اعتراض شما مردم را به قلب، ممنوع می کند.

ایرانیان!

بدین سان، آقای خامنه ای، در مقام نمایندگی از مافیاهای نظامی - مالی، به شما اعلان جنگ داده است. در همان حال که به نامزدهای معترض، امر به سکوت و سر فرودآوردن داد، آنها را تهدید نیز کرد. یعنی در این رژیم، هرگونه اصلاح نا سازگار با استبداد مطلقه نا ممکن است، بنا بر این،

1- ادامه جنبش همگانی، نه تنها دفاع از حیات ملی در استقلال و آزادی است و بخاطر بازیافت ولایت جمهور مردم است، بلکه روشی است که از میزان خشونت در کشور می کاهد و اجازه سوء استفاده از یک رژیم نامشروع و ناتوان را به قدرتهای خارجی نمی دهد.

2 - همچنان می باید خشونت زدائی روش شرکت کنندگان در جنبش همگانی باشد. برای به خشونت نگرائیدن و خشونت قوای سرکوبگر را خنثی کردن، ابتکارهای جدیدی را یافته و بکار برید چرا که جنبش همگانی در خورترین فرصت برای یافتن و بکار بردن ابتکارهای شما مردم است. این ابتکارها از آنهایی انتظار می رود که نقش نیروی محرکه جنبش همگانی را برعهده دارند.

3 - جمهور مردم می باید هشیار باشند که جنبش همگانی آنها بکار تخاصم در درون رژیم بر سر قدرت نرود. اینک که «صاحب ولایت مطلقه» صاف و صریح، اعتراض به قلب بزرگ را مخالفت با «نظام» می خواند، دیگر چرا می باید مردم ایران سرکوب سبعمانه را تحمل کنند و نگویند خواهان استقرار ولایت و حاکمیت جمهور مردم هستند؟ وقتی نظام در شخص خامنه ای ناچیز شده است، چرا مردم ایران نگویند: ولایت مطلقه فقیه را نمی خواهند؟ شعار شفاف روز 31 خرداد مردم پاسخ روشن به این پرسش نیست؟ بر مردم است که با گامهای استوار بسوی هدف، که استقرار ولایت جمهور مردم است، پیش بروند. از راه فایده تکرار، تکرار می کنم هدفی را باید جست که حقی همگانی باشد. بهوش باشید که هر هدفی که حق همگانی نباشد، موجب تفرقه و از کار افتادن

نیروی محرکه جنبش و توقف آن می شود.

4 - رژیمی که در مرکز آن چنین تخصمی وجود دارد و مرام خود را، از حق، از راست گفتاری و راست کرداری تهی کرده است، خود خویشتن را محکوم به زوال کرده است. ایران در خطر می افتد اگر شما مردم آن را از راه جنبش همگانی به نظامی مردم سالار بدل نسازید. بنا بر این، ابتکار عمل می باید در دست شما مردم بماند و نباید بگذارید این و آن، به این و آن دست آویز، ابتکار عمل را از دست شما بدر برند.

ایرانیان!

توانائی از شماست و ناتوانی از استبدادیان، خشونت زدائی از شما و خشونت گستری از استبدادیان، استقلال رأی و عمل از شما، و وابستگی و واکنش از استبدادیان است. صبر و استقامت، پیروزی را در دسترس شما قرار می دهد. بر خشونت استبدادیان شکیبا باشید و گرنه، بسا زمانی دراز، گرفتار خشونت استبدادیان می مانید. توانائی های خود را در ادامه دادن به جنبش همگانی بکار برید و پیروزی زود رس را از آن خود کنید.

معتمد شما

ابوالحسن بنی صدر

31 خرداد 1388

استصواب در انتخابات استصوابی

آیت الله خامنه‌ای، آن ولی فقیه در نماز جمعه 19 ژوئن یکبار دیگر آشکارا نشان داد که این عقل و منطق و مصالح و منافع ملت نیست که او را راهنمایی می‌کند، او با گفتارهای خشن ماهیت ددمنشانه و ضدانسانی خود را چنان بی‌پروا بروز داد که از این خبر تمام مردم جهان به حیرت افتادند و ترس و بیم کشتار وحشیانه زنان و مردان آزادی‌خواه ایران بر وجدان روشنفکران چنان سنگینی کرد که هنوز ساعتی از گفتار او نگذشته بود که عکس‌العمل شدید آنان از طریق رسانه‌ها به گوش جهانیان رسید.

با آنچه که در ایران می‌گذرد سؤال عمده اینست که عاقبت این خیزش

بزرگ مردمی به کجا و به چه چیزی خواهد انجامید؟ مردم تا کی به خیابانها خواهند ریخت و با حضور در مبارزه هزینه خواهند داد؟ هیچ طوفانی عمر طولانی ندارد. اما هر طوفانی اثراتی از خود بجا میگذارد. جوامع هم مانند طبیعت هر از چندی نیاز به طوفان و غرش و شدت عمل در مقابل قدرتهای حاکم را دارند تا تغییرات اساسی را باعث شوند.

اما اگر از این حرکت دستآوردهای اجتماعی و سیاسی بوجود نیاید و این دستآوردها صیانت نگردند طبیعتاً نتیجه کارنامه منفی و زیانبار خواهد بود. آیا این خیزش عظیم اجتماعی تحولاتی را در جامعه باعث خواهد شد؟ یا نه همچون نمونه‌های گذشته‌اش باز ما را به عقب‌تر خواهد راند؟ چرا چنین احتمالی پیش‌بینی میشود در حالیکه از چنین پیش‌بینی باید هراس داشت و امیدوار بود که اینبار همانند زمان خاتمی، سالهای بعد از انقلاب 1357، همانند سی‌تیر 1331 و انقلاب مشروطیت نشده و سرداران آزادی در پنجه خون آشامان و دژخیمانی چون عین‌الدوله، قوام‌السلطنه، خمینی، لاجوردی، احمدی‌نژاد و خامنه‌ای هلاک نگردند.

آیا این ویژگی جامعه ماست یا در غالب جوامع اینچنین میشود؟ اگر به آفریقای جنوبی ماندلا، به لهستان لخ‌والزا، به شیلی آلینده، به هند گاندی‌ها توجه کرده و آنها را با ایران خودمان مقایسه کنیم باید به سئوالاتی پاسخ دهیم:

– آیا نبود آزادی و عدم رعایت حقوق شهروندی ما را به این روزگار کشانیده است؟

– آیا رهبران سیاسی ما بی‌لیاقت بوده‌اند و نامردمی کرده‌اند؟

– آیا ما مردمی هستیم که حافظه تاریخی‌اش کوتاه است؟

طبیعتاً برای هر کدام از این سئولات پاسخهایی میتوان یافت اما هیچکدام قانع‌کننده نیست.

بلاشک تنها نویسنده این سطور نیست که در برابر این سئولات سر در گم است، بسیاری دیگر که به آینده میهن‌مان می‌اندیشند در حیرت‌اند و چه بسا که شما خواننده گرامی این سطور نیز بارها از خود این سئولات را کرده باشید. اما امروز با آنچه که بر مردم ما می‌گذرد این سئولات پررنگ‌تر میشوند. مخالف رأی دادن در نظام جمهوری اسلامی و عدم شرکت در این انتخابات به دلیل اینکه شرایط لازم برای انتخابات آزاد و عادلانه برقرار نیست و به جهت اینکه نامزد نمایندگی ریاست جمهوری واجد شرایط در میان این افراد وجود ندارد و از همه مهم‌تر به دلیل مخالفت با اصل استصوابی و طیفه‌هر آزادی‌خواه و روشنفکر است.

اما چون زمان موضعگیری بر سر رأی دادن یا ندادن در انتخابات رسید دیدیم که عده‌ای با آن موافقت کردند که باید حق انتخاب آنان را محترم شمرد. اینان چنان استدلال نمودند که بین بدتر و بدترین باید بدتر را انتخاب کرد غافل از این اصل که چنین فرضیه‌ای میتواند در شرائطی قابل دفاع باشد که حداقل دموکراسی و رعایت آزادی شهروندی

وجود داشته باشد. چرا که این به درستی در دموکراسی‌هاست که همواره شهروندان بین بد و بدتر را انتخاب می‌کنند و به ندرت به ایده‌آل و برنامه اجتماعی خود رأی می‌دهند. این‌ها آیا از خود سؤال کرده‌اند که این رژیم که در فساد و نامردمی و عقبماندگی و عدم لیاقت اداره جامعه غرق است آیا بوئی از دموکراسی برده است؟

تمام کسانی که مردم را به رأی دادن تشویق کردند و آنها را پای صندوق‌های رأی بردند از روشنفکر گرفته تا افراد و سازمان‌های سیاسی از آخوند گرفته تا مراجع تقلید موظفانند به شدت نسبت به این تقلب بزرگ و نسبت به این استصواب در انتخابات استصوابی یعنی صلاح و مصلحت دو ظرفیتی بایستند و تا ابطال کامل انتخابات (نه دوباره خواندن آراء چرا که احتمال کنترل آن بسیار ناچیز است) و برگزاری يك انتخابات سالم و عادلانه با مشارکت کاندیداهای آزاد مبارزه کنند. در این انتخابات برخلاف انتخابات گذشته باید مردم بتوانند بدرستی نامزدهای خود را معرفی نمایند و در این انتخابات باید که مردم از شرایط لازم برای انتخابات آزاد برخوردار شوند. هم‌میهنان عزیز، امروز باید بطور همبسته و متحد و بی‌محابا و با قاطعیت کامل در برابر این حاکمیت خردگریز که با کینه‌توزی نسبت به مردم ایران دشمنی می‌کند، ایستادگی و پایداری کرد و با استفاده از تمام امکانات مشروع او را به عقب‌نشینی وادار نمود.

هر کس مدعی شود این رژیم در ساختار کنونی‌اش نیاز به انتخابات ریاست جمهوری و رئیس‌جمهور و حتی جمهوریت، نیاز به انتخابات مجلس و نهاد پارلمان، نیاز به قاضی مستقل و قوه قضائیه دارد که مظاهر دموکراسی هستند در اشتباه محض است همه چیز این رژیم به دو قوه وابسته است و در این دو قدرت خلاصه می‌شود یکی قدرت مذهبی که بوسیله آن حق آزادی مردم تصاحب شده است و زیر لوای دین و مذهب مردم را فریب می‌دهد و دوم مافیای ثروت که منابع و ذخایر کشور را به تاراج داده و حساب‌های خود را در بانک‌ها افزایش می‌دهند. این ترکیب حاکمیتی را در ایران بوجود آورده است که به شایستگی باید آنرا تئومافیوکراسی نامید که همانند اختاپوسی بر تار و پود ملت و به ساختار مملکت تنیده است و از خون و ثروت مردم، خود را تغذیه می‌کند.

دیدیم که تئومافیوکراسی حاکم بر ایران با تقلبی بزرگ و مخبط نه تنها به راحتی فرد مورد نظر خود را به مردم تحمیل می‌کند بلکه رهبر این حاکمیت اعتراض مردم و جوانان را بی‌ارزش دانسته و آنها را تهدید به کشتار بیشتر می‌کند.

امروز چه آنهاییکه موافق رأی دادن بوده‌اند و چه آنهایی که مخالف آن، همه باید در يك جبهه مشترك و با وجدان همبستگی خود در مقابل تئومافیوکراسی حاکم بر ایران قد راست کنند و بدان نه بگویند و خواستار لغو کامل این انتخابات استصوابی شده و برای آزادی

انتخابات در ایران با نظارت سازمان‌های بین‌المللی مبارزه کنند.
فرهنگ قاسمی
19 ژوئن 2009